

خبر

رئیس اداره بیماری‌های زئونوز وزارت بهداشت:

مبتلایان به هاری قطعاً جان خود را از دست می‌دهند

محمد زینلی، رئیس اداره بیماری‌های زئونوز وزارت بهداشت به ایسنا گفت: هاری یک بیماری ۱۰۰ درصد کشنده است؛ هنگامی که فردی به هاری مبتلا شود و علائم بیماری بروز کند، هیچ کار خاصی نمی‌توان برای بیمار انجام داد و به‌طور قطع، فرد مبتلا به هاری جان خود را از دست می‌دهد.

وی افزود: براساس گزارش‌های دریافتی، تعداد موارد حیوان‌گزیدگی در سال جاری ۱۴۰ تا ۱۵۰هزار مورد است که پنج نفر از این عده به هاری مبتلا شده‌اند.

زینلی با بیان اینکه سگ‌ها بیشترین تعداد حیوان‌گزیدگی را به خود اختصاص داده‌اند، گفت: گربه‌ها جایگاه دوم تعداد موارد حیوان‌گزیدگی را از آن خود کرده‌اند. افزایش ۸ تا ۱۰ درصدی گربه‌گزیدگی را در سال ۱۴۰۴ نسبت به ۱۴۰۳ تجربه کردیم؛ البته هیچ مرگی به دلیل هاری ناشی از گربه‌گزیدگی در کشور نداریم.

پاسخ یک مدیر سازمان منابع طبیعی به این پرسش

جنگل‌های ایران را گرما می‌سوزاند یا انسان‌ها؟



مهرداد اکبریان، مدیر کل دفتر حفاظت و حمایت سازمان منابع طبیعی با بیان اینکه حریق‌های جنگلی در ایران خودبه‌خود رخ نمی‌هد، به ایسنا گفت: جنگل‌های بسیاری در نقاط دنیا گونه‌هایی دارند که به دلیل حرارت خیلی بالا در زمان‌های خاص، احتمال آتش‌سوزی خود به‌خودی آن‌ها وجود دارد ولی گونه‌های جنگلی ایران به‌ویژه گونه‌های پهن برگ، مقاوم به حریق هستند. در یک صورت بسیار نادر شاید ارس‌ها با دیرزیستی بالا در گرم‌ترین روز مرداد دچار حریق شوند.

اکبریان تأکید کرد: عوامل طبیعی آتش‌سوزی جنگلی در ایران فقط صاعقه است. «گرم‌باد» نیز جنگل‌های استان‌های گلستان و گیلان را مستعد حریق می‌کند. ۹۵درصد عامل آتش‌سوزی‌های جنگلی در ایران «انسانی» بوده که بسیاری از آن‌ها غیرعمدی است. رهاسازی ته سیگار، شیشه و بطری آب نیم خورده در طبیعت می‌تواند موجب بروز آتش‌سوزی غیرعمدی شود.

یک مقام مسئول دانشگاه علوم پزشکی تهران بیان کرد

بن‌بست در سند بیماری‌های غیرواگیر

باقر لاریجانی، رئیس پژوهشگاه علوم غدد و متابولیسم دانشگاه علوم پزشکی تهران با اشاره به نتایج ارزیابی ۱۰ساله سند ملی پیشگیری و کنترل بیماری‌های غیرواگیر، به ایسنا گفت: اگرچه کاهش مرگ‌های زودرس ناشی از چهار بیماری اصلی غیرواگیر روند مطلوبی داشته، اما بیشتر اهداف تعیین‌شده در این سند محقق نشده و اجرای برنامه‌ها با چالش‌های جدی روبه‌رو بوده است.

وی افزود: یافته‌ها نشان داد از میان ۱۳ هدف تعیین‌شده در سند، تنها هدف نخست یعنی کاهش مرگ زودرس ناشی از چهار بیماری اصلی غیرواگیر (بیماری‌های قلبی - عروقی، سرطان، دیابت و بیماری‌های مزمن ربوی) با کاهش ۱۶/۷درصدی مرگ‌های زودرس، پیشرفت قابل توجهی داشته است؛ اما در دیگر اهداف یا پیشرفت کافی حاصل نشده یا روند شاخص‌ها برخلاف اهداف تعیین‌شده بوده است.

رئیس سازمان سنجش آموزش بیان کرد

زمان اعلام نتایج آزمون سمپاد و نمونه دولتی



رضا محمدی، رئیس سازمان سنجش آموزش کشور به ایسنا گفت: براساس برنامه‌ریزی انجام‌شده، قرار بود نتایج آزمون‌های ورودی مدارس استعدادهای درخشان (سمپاد) و نمونه دولتی در مرداد اعلام شود و سازمان سنجش نیز در همین چارچوب اقدامات لازم را انجام داده است.

وی با بیان اینکه فرایند قرائت پاسخنامه‌های داوطلبان به پایان رسیده، افزود: در حال حاضر بخشی از داده‌ها و اطلاعات تکمیلی باید از سوی وزارت آموزش و پرورش در اختیار سازمان سنجش قرار گیرد تا امکان نهایی‌سازی نتایج فراهم شود.

این اطلاعات شامل مواردی مانند وضعیت همزمان‌ها و همچنین معدل دانش‌آموزان است که در آزمون مدارس نمونه دولتی، معدل در پذیرش داوطلبان تأثیرگذار است. به محض دریافت این اطلاعات، نتایج در کوتاه‌ترین زمان ممکن اعلام خواهد شد.

پذیرش در مدارس سمپاد با دیگر آزمون‌ها تفاوت دارد و نتایج بر اساس ظرفیت هر مدرسه و با توجه به شرایط پذیرش همان مدرسه اعلام می‌شود.

روایت رئیس باشگاه دانش‌پژوهان جوان از نقش رهبر شهید در حمایت از نخبگان

شهادت رهبر انقلاب نهادهای نخبگانی را یتیم کرد



شیمی و رایانه دچار افت شده است. ایشان دانش‌آموزان المپیادی را از افتخارات کشور دانستند و بر ضرورت جلوگیری از تنزل نخبگان آن‌ها تأکید کردند.

در سال ۱۳۹۸ شورای عالی انقلاب فرهنگی مصوبه‌ای داشت که براساس آن و با توجه به تذکرات رهبر شهید انقلاب، قرار بود باشگاه دانش‌پژوهان جوان ظرف ۶ماه پس از احیای سمپاد دوباره احیا شود، اما این اتفاق رخ نداد. در سال ۱۳۹۹ نیز رهبر شهید بار دیگر درباره این موضوع تذکر دادند و در نهایت اساسنامه باشگاه دانش‌پژوهان جوان در سال ۱۴۰۰ به تصویب رسید و در سال ۱۴۰۱ ابلاغ شد.

پس از ابلاغ این اساسنامه و آغاز فرایندهای اجرایی، حمایت‌ها و پیگیری‌های ایشان را در کنار خود داشتیم و واقعاً خود را مدیون ایشان می‌دانیم. توجه رهبر شهید به نهادهای نخبگانی از جمله دانشگاه‌شریف، بنیادهای نخبگان، سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان و معاونت علمی و اقتصاد بی‌نظیر بود. شهادت ایشان این نهادها را واقعاً یتیم کرده است. اینکه می‌گوییم «با یتیم شدیم» جمله‌ای است که بسیاری از نخبگان کشور که حضور و حمایت‌های ایشان را در این فضاها درک کرده‌اند، به آن باور دارند.

اگر خاطره یا نکته‌ای کمتر شنیده‌شده از رهبر شهید در ارتباط با نخبگان و دانش‌پژوهان دارید، برایمان تعریف کنید.

پس از احیای باشگاه، یکی از درخواست‌های مایرگزاری دیدار مدال‌آوران المپیادی با رهبر شهید بود. ایشان نیز در اوایل سال ۱۴۰۳ دستور برگزاری این دیدار را صادر کردند، اما این موضوع همزمان با حادثه سقوط بالگرد شهید رئیسی شد. پس از آن حادثه، کشور در شرایط ویژه‌ای قرار داشت؛ دولت رئیس‌جمهور نداشت، مجلس در آستانه آغاز دوره جدید خود بود و تنش‌ها با رژیم صهیونیستی نیز به اوج رسیده و عملیات وعده‌صادق انجام‌شده بود. در مجموع فضای کشور تا حدی بحرانی بود. با وجود این شرایط، در کمال تعجب دیدیم ایشان تأکید کردند این دیدار با فوریت برگزار شود و در ۲۶ خرداد ۱۴۰۳ به دیدار ایشان رفتیم. این موضوع نشان می‌دهد با وجود همه چالش‌ها و نیازهایی که کشور در آن مقطع به ایشان داشت، حوزه نخبگان و استعداد‌های برتر تاجه اندازه برایشان راهبردی و مهم بود. رهبر شهید انقلاب در آن دیدار تأکید کردند به جوانان اعتقاد دارند و این اعتقاد، اعتقادی عمیق و قوی است. ایشان همچنین گفتند برخلاف برخی از مسئولان در دهه‌های اخیر، به جوانان و انگیزه جوانی اعتقاد کامل دارند و آنان را ثروتی عظیم می‌دانند که ارزش آن بسیار بیشتر از مدال‌های افتخارآفرین آن‌هاست. رهبر شهید در همان دیدار خطاب به جوانان گفتند می‌توانند تاریخ را بنویسند و یک فضای نامطلوب را به محیطی مطلوب تبدیل کنند. همچنین ایشان اشاره کردند ایران در سال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ در مجموع ۳۰ مدال طلای جهانی کسب کرده و این موضوع را نشانه شگفت‌گیری یک حرکت علمی در کشور دانستند. البته تأکید کردند این میزان کافی نیست و باید به یک خیزش علمی منجر شود. این نکته برای من جالب بود، چرا که اگر در همان زمان از من به عنوان رئیس باشگاه دانش‌پژوهان جوان درباره جزئیات این آمار سؤال می‌شد، شاید نمی‌توانستم با این دقت و جزئیات آن را بیان کنم. یک خاطره جالب دیگر که بچه‌های المپیادی تعریف می‌کردند، مربوط به زمان ورود به مجموعه نهاد رهبری بود. معمولاً برای ورود به این مجموعه بازرسی‌های امنیتی انجام می‌شود، اما ظاهراً برای دانش‌آموزان المپیادی این بازرسی‌ها با سخت‌گیری کمتری انجام شده بود، در حالی که مسئولان و دیگر افراد با دقت و جزئیات بیشتری مورد بازرسی قرار گرفتند. یکی از کارکنان نهاد رهبری نقل می‌کرد رهبر شهید انقلاب تأکید کرده بودند ورود دانش‌آموزان نخبه و المپیادی به مجموعه نهاد برای آن‌ها سخت نشود. این موضوع نشان می‌دهد ایشان حتی نسبت به چنین جزئیاتی نیز حساس بودند و دغدغه داشتند مبادا رفتاری صورت بگیرد که موجب دلخوری این دانش‌آموزان شود. این دقت نظر تنها به این موضوع محدود نمی‌شد. در جلسات نیز با دقت به سخنان حاضران گوش می‌دادند و امکان نداشت کسی بخواد صحبت کند و به دلیل کمبود وقت فرصت بیان دیدگاهش را پیدا نکنند. این میزان توجه به جزئیات و تکریم نخبگان واقعاً کم‌نظیر بود.

است. یکی از نمونه‌های این اهتمام، دیدار نخبگان در سال ۱۴۰۳ بود که با وجود شرایط خاص آن مقطع و در حالی که حدود ۲۴ ساعت از عملیات وعده صادق ۲ گذشته بود، در زمان و مکان از پیش تعیین‌شده برگزار شد. این موضوع نشان می‌دهد ایشان تا چه اندازه به مسئله نخبگان و پیشرفت علمی کشور پایبند بودند.

■ با توجه به حمایت‌های رهبر شهید انقلاب از نخبگان، چرا در دوره‌ای موضوع انحلال سمپاد یا ادغام آن در ساختار آموزش و پرورش مطرح شد و اساساً چه شد که این تصمیم با حمایت‌های ایشان به جایی نرسید؟

دو نهادی که در دوران ریاست جمهوری رهبر شهید انقلاب شکل گرفت، باشگاه دانش‌پژوهان جوان و سازمان ملی پرورش استعداد‌های درخشان بود. باشگاه دانش‌پژوهان جوان با مأموریت برگزاری المپیادهای علمی، شناسایی استعداد‌های برتر و زمینه‌سازی برای درخشش جمهوری اسلامی ایران در المپیادهای جهانی ایجاد شد و سازمان ملی پرورش استعداد‌های درخشان نیز متولی مدارس استعداد‌های درخشان بود. خوشبختانه هر دو مجموعه در آن دوره شکل گرفتند و با قدرت به فعالیت خود ادامه دادند. در سال ۱۳۸۹ تصمیمی عجولانه، غیرکارشناسی و نادرست گرفته شد و باشگاه دانش‌پژوهان جوان و سازمان ملی پرورش استعداد‌های درخشان که پیش از آن هر کدام یک سازمان مستقل ملی بودند، با یکدیگر ادغام شدند. در نتیجه این ادغام، سازمان جدید نیز از سطح سازمان به یک مرکز تنزل پیدا کرد و هر یک از این دو مجموعه به معاونت‌هایی در ساختار جدید تبدیل شدند. زمانی که یک سازمان به مرکز تنزل پیدا می‌کند، بخشی از استقلال خود را از دست می‌دهد، اختیارات و فضای مالی مستقل آن کاهش می‌یابد و امکان جذب و به‌کارگیری نیروهای مورد نیازش محدود می‌شود. اما ادغام همچنین سبب شد بسیاری از افرادی که طی سال‌ها تجربه کار با دانش‌آموزان نخبه را بدست آورده بودند و نیاز‌ها و مسائل این دانش‌آموزان آشنایی داشتند، از مجموعه خارج شوند. بخشی از امکانات نیز از این مجموعه‌ها گرفته شد و حتی فضای فیزیکی که متناسب با نیاز‌های دانش‌آموزان المپیادی طراحی و ایجاد شده بود، در اختیار آن‌ها باقی نماند. دهه ۹۰ برای این دو مجموعه، به‌ویژه باشگاه دانش‌پژوهان جوان دهه‌ای تلخ و دشوار بود. در دهه ۹۰ که شدیدترین فشارها بر فضای المپیادهای کشور وارد می‌شد، رهبر شهید انقلاب سه دیدار مستقل با دانش‌آموزان المپیادی برگزار کردند و پای صحبت‌های آن‌ها نشستند و دغدغه‌هایشان را شنیدند. این دیدارها جداز نشست‌های سالانه نخبگان بود که بخشی از حاضران آن را نیز دانش‌آموزان المپیادی تشکیل می‌دادند. به یاد دارم در سال ۱۳۹۵ موضوع حذف و انحلال این مرکز تقریباً قطعی شده بود. اما با وجود همه این فشارها، توجه و حمایت رهبر شهید انقلاب از حوزه نخبگان و المپیاد‌ها ادامه داشت، در آن دهه ایشان شخصاً این موضوع را پیگیری می‌کردند و حتی در سخنرانی‌های عمومی خود چندین بار به مسئولان وقت تذکر دادند سمپاد اهمیت دارد و باید تقویت شود. ایشان تأکید داشتند عدالت به این معنا نیست که به همه افراد با استعداد‌های متفاوت، امکانات یکسان داده شود، بلکه باید به هر فرد متناسب با استعدادش توجه داشته و زمینه رشد او را فراهم کرد. البته همه باید مورد توجه قرار بگیرند، اما توجه به همین تأکیدات، اگر اشتباه نکنم در ۱۷ مهر ۱۳۹۷ سازمان ملی پرورش استعداد‌های درخشان در شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسید، اما تا ۱۷ مهر ۱۳۹۸ ابلاغ نشد. در دیدار نخبگان با رهبر شهید انقلاب در مهر ۱۳۹۸ نیز یکی از نخبگان به معطل ماندن یک‌ساله این موضوع اعتراض کرد. ایشان همان‌جا پیگیری شدند که علت تأخیر چیست و پس از آنکه اعلام شد مصوبه هنوز از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی ابلاغ نشده، ایشان تأکید کردند موضوع را پیگیری خواهند کرد. خوشبختانه سه روز پس از آن دیدار، اساسنامه سازمان ملی پرورش استعداد‌های درخشان ابلاغ شد. همچنین در همان سال، رهبر شهید انقلاب نسبت به افت رتبه جمهوری اسلامی ایران در المپیادهای جهانی تذکر دادند و تأکید کردند کشور در رشته‌هایی مانند ریاضی، فیزیک،

این سرمایه‌ها نیز بر عهده مسئولان است و عاید برای رفع مشکلات آن‌ها و یافتن راهکار‌های مناسب تلاش شود. موضوع دوم این است که زیست‌بوم نخبگانی کشور متأسفانه متولی واحدی ندارد و از مجموعه‌ای از نهاد‌ها با مسئولیت‌های متفاوت تشکیل شده است. در حوزه نگهداشت نخبگان، باشگاه دانش‌پژوهان جوان یک مسئولیت دارد، سازمان ملی پرورش استعداد‌های درخشان مسئولیتی دیگر، بنیاد ملی نخبگان در سنین بالاتر نقش آفرینی می‌کند و وزارت علوم، وزارت بهداشت و معاونت علمی نیز هر کدام وظایف مشخصی دارند.

بر همین اساس، اگر گفته شود خروج نخبگان از کشور نتیجه کم‌کاری یکی از این نهاد‌هاست یا اگر یکی از این دستگاه‌ها عملکرد خوبی داشته باشد می‌توان مسئله نگهداشت نخبگان را به‌طور کامل حل کرد، گزاره درستی نیست. همه این چرخنده‌ها باید در کنار یکدیگر کار کنند. بخشی از این مجموعه‌ها مانند باشگاه دانش‌پژوهان جوان و سازمان سمپاد در حوزه دانش‌آموزی فعالیت داشته و برخی دیگر مانند وزارت علوم و وزارت بهداشت در حوزه دانشجویی مسئولیت دارند و بنیاد ملی نخبگان نیز به عنوان نهاد بالادستی باید هماهنگی میان این بخش‌ها را انجام دهد. این هماهنگی روز به روز در حال افزایش است، اما هنوز به وضعیت مطلوب نرسیده‌است.

■ از نظر شما مهم‌ترین مطالبه دانش‌آموزان نخبه و المپیادی از مسئولان کشور چیست؟

اگر بخواهم سه مورد از مهم‌ترین انتظاراتی که بیشترین تأثیر را بر ماندگاری نخبگان دارد بیان کنم، نخستین موضوع، فراهم شدن یک فضای علمی مناسب در کشور است؛ فضایی که بتواند هم‌تراز با بهترین محیط‌های علمی دنیا باشد. فردی که توانمندی خود را در المپیادهای جهانی اثبات کرده و حتی به رتبه‌های برتر جهان رسیده، تمایل دارد این مسیر را در بالاترین سطح علمی ادامه دهد. به همین دلیل نیازمند محیط‌های علمی، آزمایشگاهی و امکاناتی است که برای ادامه افتخار آفرینی علمی، تفاوتی با دانشگاه‌هایی مانند ام‌آی‌تی، استنفورد یا پرینستون نداشته باشد. نکته دوم، احساس اثرگذاری است. نخبگان نیاز دارند در فضایی قرار بگیرند که بتوانند برای کشورشان اثرگذار هستند، مفیدند و حضورشان برای کشور معنا و کارکرد دارد. ایجاد احساس اثرگذاری و فراهم کردن زمینه‌های واقعی برای نقش آفرینی نخبگان، یکی از مهم‌ترین راه‌های نگهداشت آن‌ها به شمار می‌رود. موضوع سوم نیز معیشت است. فردی که در فضای علمی به چنین موفقیت‌ها و افتخار آفرینی‌هایی دست یافته، طبیعی است انتظار داشته باشد بتواند نیاز‌های اولیه زندگی خود را تأمین کند. این مسائل بخشی از زندگی روزمره هستند و نمی‌توان از آن‌ها چشم‌پوشی کرد. بی‌توجهی به این موضوع نیز می‌تواند در تصمیم‌گیری نخبگان تأثیرگذار باشد.

■ در سال‌های گذشته رهبر شهید انقلاب بارها درباره حفظ نخبگان و جلوگیری از مهاجرت آنان هشدار داده بودند. فکر می‌کنید کدام بخش از این توصیه‌ها به‌خوبی اجرا شده و کدام بخش همچنان مغفول مانده است؟

من سال ۱۴۰۱ در دیدار نخبگان با رهبر شهید انقلاب شرکت کردم؛ این دیدار از معدود برنامه‌هایی بود که به‌صورت ثابت در برنامه‌های سالانه ایشان قرار داشت و به‌هیچ‌وجه دچار تغییر نمی‌شد. موضوع حفظ نخبگان، ایجاد زمینه‌های اثرگذاری و فراهم‌کردن فضای علمی متناسب برای نخبگان نیز از تأکیدات همیشگی ایشان بود. اینکه این تأکیدات تاجه میزان محقق شده است، الان نمی‌توانم به‌صورت دقیق بگویم و دوست‌ان در حوزه‌های مختلف باید درباره آن توضیح دهند و این موارد را تکمیل کنند. تا حدی در این مسیر پیشرفت حاصل شده، اما متأسفانه به آن میزانی که بتواند رضایت عمومی جامعه نخبگانی را ایجاد کند، نرسیده‌ایم.

رهبر شهید انقلاب معمار فضای علم و فناوری کشور بودند؛ معمار نه صرفاً به این معنا که طراحی کرده باشند، بلکه علاوه بر طراحی، این مسیر را پیگیری می‌کردند، برای آن اقدام کرده و شخصاً مسائل این حوزه را پیش می‌بردند. ایشان به‌خوبی می‌دانستند این حرکت برای آینده کشور ضروری و پربرکت

محدثه رضایی | داستان نخبگان فقط به مدال‌ها و عکس‌های یادگاری روی سکوهای جهانی ختم نمی‌شود. پشت این موفقیت‌ها، روایتی از دغدغه ماندن، امید به اثرگذاری، چالش مهاجرت و فرار و فرود نهادهایی که مأموریتشان پرورش استعداد‌های برتر است، جریان دارد. سیدرضا حسینی، رئیس باشگاه دانش‌پژوهان جوان در گفت‌وگو با ما به این دغدغه‌ها اشاره می‌کند.

■ باشگاه دانش‌پژوهان جوان «نخبه» را چگونه تعریف می‌کند؟

نخبگی یک عنوان یا برچسب نیست که صرفاً با یک موفقیت یا دستاورد خاص بدست بیاید، بلکه فرایند و مسیری است که در نهایت به نخبگی منتهی می‌شود.

طبق تعریف بنیاد ملی نخبگان، افرادی که توانمندی خود را در رقابت‌های برجسته‌ای مانند المپیادهای علمی، کنکور و دیگر آزمون‌ها و مسابقات اثبات کرده‌اند، «استعداد برتر» نامیده می‌شوند. در باشگاه دانش‌پژوهان جوان هم به استعداد‌های برتری که توانمندی خود را در المپیادهای علمی به اثبات رسانده‌اند، عنوان «دانش‌پژوه» اطلاق می‌شود.

براساس تعریف بنیاد ملی نخبگان، نخبه فردی است که استعداد برتر او از حالت بالقوه به بالفعل رسیده باشد؛ یعنی علاوه بر اثبات توانمندی خود در آزمون‌ها و رقابت‌های مختلف، از آن استعداد برای حل مسائل کشور، رفع مشکلات مردم و پیشرفت علم و فناوری استفاده کرده باشد. در این صورت آن استعداد بالفعل شده و به آن فرد عنوان نخبه داده می‌شود.

■ فرایند انتخاب دانش‌آموزان برای اعزام به مسابقات و برنامه‌های علمی بین‌المللی چگونه است و چه شاخص‌هایی در انتخاب نمایندگان ایران لحاظ می‌شود؟

تیم‌های ملی المپیادهای علمی، همانند بسیاری از تیم‌های ملی ورزشی، دارای فرایندی کاملاً تخصصی هستند و توسط استادان و مربیانی هدایت می‌شوند که سال‌ها در این فضا فعالیت و تجربه داشته‌اند و توانمندی رهبری این نظام را دارند. اعضای تیم ملی المپیاد فیزیک که امروز شاهد افتخار آفرینی آن‌ها هستیم، برگزیدگان المپیاد فیزیک کشور هستند. این دانش‌آموزان تنها از یک آزمون عبور نکرده‌اند، بلکه پس از پشت سر گذاشتن چندین مرحله آزمون، دوره‌های آموزشی و کلاس‌های تخصصی زیر نظر برترین استادان فیزیک کشور، به عضویت تیم ملی درآمده‌اند. برای عضویت در تیم ملی المپیاد فیزیک، دانش‌پژوهان باید پنج مرحله مختلف را پشت سر بگذارند. مرحله نخست، آزمون المپیاد علمی است که معمولاً در بهمن برگزار می‌شود و حدود ۱۰۰ درصد شرکت‌کنندگان به مرحله بعد راه پیدا می‌کنند. این افراد در آزمون تشریحی مرحله دوم شرکت می‌کنند و در نهایت حدود ۸۰ نفر به عنوان برگزیدگان این مرحله انتخاب می‌شوند. این ۸۰ نفر به آزمون علمی و آزمایشگاهی مرحله سوم دعوت می‌شوند که از میان آن‌ها ۴۰ نفر برگزیده می‌شوند و به دوره تابستانه باشگاه دانش‌پژوهان جوان راه می‌یابند. این دانش‌پژوهان حدود دو ماه به صورت شبانه‌روزی در دوره آموزشی شرکت می‌کنند و در پایان، آزمون مرحله چهارم یا آزمون تعیین مدال را می‌گذرانند. از میان این ۴۰ نفر، ۱۰ نفر موفق به کسب مدال طلا می‌شوند. این آزمون‌ها معمولاً در شهر یوربا مهر برگزار می‌شود.

دارندگان مدال طلا نیز وارد یک دوره شبانه‌روزی پنج تا شش‌ماهه می‌شوند که از مهر آغاز شده و تا اسفند ادامه دارد. در پایان این دوره و معمولاً در اسفند یا فروردین، آزمون‌های انتخابی تیم ملی برگزار شده و پنج نفر به عنوان اعضای تیم ملی ایران در اواخر فروردین یا اوایل اردیبهشت معرفی می‌شوند. اعضای تیم ملی پس از آن در دوره‌های آمادگی ویژه شرکت می‌کنند که معمولاً در اردیبهشت، خرداد و گاه‌گاهی تیر برگزار می‌شود و سپس در اواخر تیر یا اوایل مرداد برای حضور در المپیادهای جهانی اعزام می‌شوند.

آزمون‌هایی که دانش‌پژوهان در این مسیر پشت سر می‌گذارند، به‌ویژه آزمون تعیین مدال شامل چندین بخش مختلف از جمله آزمون‌های تئوری و عملی است و برپایند نتایج این آزمون‌ها، اعضای نهایی تیم ملی را مشخص می‌کند.

■ در سال‌های اخیر محدودیت‌های بین‌المللی یا تحریم‌ها بر حضور دانش‌پژوهان ایرانی در رویدادهای جهانی تأثیر گذاشته است؟

بله؛ در سال گذشته و امسال، کشور با حملات و تنش‌هایی مواجه بود که به‌طور طبیعی بخشی از دوره‌های آمادگی تیم‌های ملی را با چالش روبه‌رو کرد. به همین دلیل امکان برگزاری بسیاری از آزمون‌ها به‌صورت حضوری در محل باشگاه وجود نداشت و این موضوع بر برگزاری برخی آزمایشگاه‌ها نیز تأثیر گذاشت. با این حال، تلاش شد کلاس‌هایی که امکان برگزاری آن‌ها وجود داشت، به‌صورت مجازی ادامه پیدا کند، هرچند این شرایط آسیب‌هایی را نیز به همراه داشت. از سوی دیگر، باشگاه دانش‌پژوهان جوان در چنین شرایطی با چالش‌هایی در زمینه تأمین مالی و اعتبارات مورد نیاز برای اعزام تیم‌های ملی روبه‌رو شد. با وجود این، با حمایت‌های وزارت آموزش و پرورش و وزیر آموزش و پرورش، تمامی تیم‌ها در دوسال اخیر بدون مشکل در مسابقات جهانی حضور پیدا کردند و با وجود دشواری‌ها و محدودیت‌های موجود، موفق به کسب نتایج درخشان شدند.

■ ارزیابی شما از وضعیت مهاجرت مدال‌آوران و دانش‌پژوهان در سال‌های اخیر چیست؟ چه عواملی بیشترین نقش را در تصمیم نخبگان برای مهاجرت ایفا می‌کنند؟

ابتدا چند نکته را باید مطرح کنم؛ نخست اینکه دانش‌پژوهان و نخبگانی که به عنوان اعضای تیم‌های ملی المپیاد اعزام می‌شوند، مأموریت اصلی‌شان افتخار آفرینی برای کشور است و خوشبختانه این وظیفه را به بهترین شکل انجام می‌دهند. این دانش‌پژوهان پرچم کشور را بالای می‌برند و این افتخارات به نام ایران در تاریخ ثبت می‌شود. افتخاراتی که توانمندی جوانان نخبه ایرانی را نشان می‌دهد. بخش مهمی از نگهداشت